

## ● گزارش‌ها و تحلیل‌ها

---

### جنگ عراق: تعامل دولت انگلیس با رسانه‌ها

---

جنگ بود و حزب محافظه‌کار نیز مواضع تندتری از حزب کارگر در ضرورت برکناری صدام داشت. حزب لیبرال دمکرات نیز به‌رغم تلاش برای استفاده از فرصت پیش آمده (همراه شدن با مخالفت مردم و تاکید بر ضرورت کسب قطعنامه دوم سازمان ملل متحد) در نهایت با اعلام این که سربازان وارد جنگ شده‌اند و بایستی از آنان حمایت کرد، به آرامی از موضع مخالف به بی‌طرفی متمایل شد. حال در چنین شرایطی، آیا رسانه‌ها چاره‌ای جز حمایت از جنگ داشتند.

از طرف دیگر، اکثریت مردم انگلیس به موقع بروز جنگ و درگیر بودن سربازان انگلیس

رسانه‌های انگلیس به دنبال فرار گرفتن عراق در محور شرارت و به دنبال آن اعلام بوش مبنی بر این که رژیم عراق بایستی تغییر یابد، به طور گسترده به بررسی مسائل پرداختند. با توجه به طولانی شدن ورود به جنگ، این رسانه‌ها خود را از ابعاد و جهات مختلف آماده نموده و برنامه‌ریزی‌های دقیق و مفصلی را تدارک دیدند. برای مدت طولانی، رسانه‌های اصلی انگلیس؛ به بودجه سرویس خارجی خود کمتر دست زدند تا بتوانند با شروع جنگ عراق با استفاده از فرصت بیشتری به پوشش تحولات بپردازند.

در این برهه حزب کارگر خود خواستار

در منازعات، بدون لحاظ نمودن مشروعیت و یا عدم مشروعیت نزاع‌ها به حمایت از سربازان در صحنه جنگ می‌پردازند. این امر را نشانگر روحیه نظامی‌گری بیشتر مردم انگلیس در مقایسه با سایر نژادهای اروپایی می‌دانند.

با این وجود و به‌رغم این که جنگ عراق از نظر زمانی، بسیار کوتاه‌تر از آن بود که رسانه‌ها و دولت به جان هم بیفتند یا مسائل آن را ریزتر تشریح کنند، طرح سؤالات مکرر در مورد سلاح‌های کشتار جمعی عراق به‌خصوص پس از مشخص شدن پایان جنگ، اعتباری که دولت در رسیدن سریع به اهداف خود در عراق به دست آورده بود را مسخدوش کرد و میزان حمایت از بلر را به سرعت پایین آورد.

پس از پایان جنگ، مبحث سلاح‌های کشتار جمعی عراق با جدیت پیگیری شد و نزاع بین بی‌بی‌سی و دولت را به مرحله‌ای رساند که در نهایت منجر به خودکشی یک مقام اطلاعاتی و یا نظامی وزارت دفاع، به نام دکتر "دیوید کلی" شد. بحث بلر در مورد سلاح‌های کشتار جمعی عراق و پرونده‌های ارائه شده توسط دولت وی را خبرنگاران انگلیسی و مقامات مخالف جنگ،

"سلاح فریب جمعی" می‌خواندند.

منابع وزارت خارجه و دفاع انگلیس به دنبال افزایش چنین انتقاداتی، اعلام داشتند که دسترسی به سلاح‌های کشتار جمعی سخت‌تر از قبل شده و احتمال یافتن آنها کمتر شده است. این ادعا مطرح شد که صدام به روسیه و فرانسه تعهد داده است که سلاحی در عراق باقی نمانده و آن دو کشور بایستی از عراق حمایت کنند.

عدم یافتن تسلیحات، اعتبار تونی بلر را به طور تدریجی کاهش می‌داد. براساس نظرسنجی موسسه "یوگاو"<sup>۱</sup>، ۴۴٪ مردم انگلیس هدف از ادعاهای بلر مبنی بر وجود سلاح‌های کشتار جمعی در عراق را صرفاً برای کسب حمایت از اقدام نظامی اعلام کردند. درحالی که پیش از جنگ ۷۱٪ مردم معتقد بودند که عراق سلاح‌های شیمیایی دارد، این رقم با زیر سؤال رفتن پرونده دولت به ۵۱٪ کاهش یافت و این روند نزولی همچنان ادامه دارد.

به دلیل زیر سؤال بردن مشروعیت جنگ توسط رسانه‌ها و بحث‌های مختلف عراق از جمله ساختار سیاسی، اقتصادی و نفتی آن

ورشکسته تبدیل کرد.

در مورد تعامل دولت و رسانه‌ها، بایستی خاطر نشان شود که در دنیای رسانه‌های انگلیس و حتی سیاست‌مداران این کشور؛ طیف گسترده‌ای از موافق‌ترین تا مخالف‌ترین افراد و رسانه‌ها نسبت به جنگ عراق وجود داشت. با این وجود به نظر می‌رسد به‌رغم مخالفت‌ها و همراهی‌ها، همگی در یک گروه بازی می‌کردند و در توازن نیمی به دنبال هدف اصلی خود یعنی تأمین منافع ملی انگلیس بودند.

به بیان دیگر، با وجود رقابت و جنگ دائمی قدرت در انگلیس، در چنین برهه‌های حساسی، احزاب هماهنگ عمل می‌کنند. اغلب رسانه‌ها نیز به‌رغم تفاوت‌های فاحش در خط مشی‌های داخلی، حداقل در طول جنگ و به‌خصوص در زمانی که سربازان انگلیسی درگیر هستند، همراهی بیشتری با سیاست‌های کلان کشور دارند.

گفته می‌شود که رسانه‌های مختلف و احزاب اصلی انگلیس در طول بحران‌های بین‌المللی مانند یک گروه مکر عمل می‌کنند. به عنوان نمونه، هر وقت که اختلافاتی

بحث عراق مانند افغانستان به آسانی به بایگانی سپرده نشد و همچنان در حال پیگیری است. همچنان مردم در مصاحبه‌ها، مخالفان جنگ را تشویق می‌کنند. در اغلب برنامه‌های خبری و تحلیلی شبکه‌های انگلیس، مخالفان جنگ همچنان نمود بیشتری دارند و دیدگاه‌های آنان بیشتر مورد پسند تماشاگران قرار گرفته و تشویق می‌شوند.

سایه سلاح‌های کشتار جمعی عراق و مبحث مشروعیت یا عدم مشروعیت ورود به جنگ همچنان بر دولت کارگری بلر سایه افکنده و ممانعت تحقق آرزوهای بلر شده است. وی خواستار پیروزی در جنگ، تأمین منافع ملی و به دنبال آن پرداختن به اوضاع داخلی کشور (حتی از طریق ایجاد تغییراتی در کابینه) بود. به نظر می‌رسد، سفر بلر به امریکا برای دریافت مدال افتخار، سخنرانی در کنگره و گفتگو با مقامات امریکایی (در اصل برای گفتگو و مذاکره درخصوص دست‌آوردها و مزایای همراهی با امریکا) دردی برای بلر درکشورش دوا نمی‌کرد. خبر مرگ دیوید کلی چهره بشاش وی را به نقل از نشریات انگلیس به چهره یک نخست‌وزیر

بین امریکا و انگلیس بر سر مسائل عراق به وجود می‌آید، زمینه برای حملات شدید رسانه‌ای به امریکا فراهم می‌گردد. امریکا بزرگترین ناقص حقوق بشر، دارای بیشترین میزان اعدام‌ها و ... می‌شد و آنگاه که شرایط وفق مراد انگلیس بود؛ امریکا شریک استراتژیک، مدرن و پیشرفته، بزرگترین کشور اعانه دهنده به مردم آفریقا و غیره محسوب می‌گردد. اغلب حملات مقامات انگلیسی به رسانه‌ها در امریکا مطرح می‌شد، شاید به این دلیل که بگویند، "ببینید که مخالفان چه می‌کنند!"

این امر در مورد سیاست مداران انگلیسی نیز صدق می‌کرد. در مواقعی که بین انگلیس و امریکا تنش بروز می‌کرد؛ سیاست‌مداران انگلیسی، از احزاب مختلف به امریکا حمله می‌کردند.

در همین راستا، به دنبال سخنان وزیر دفاع امریکا مبنی بر این که امریکا برای حمله به عراق می‌تواند به تنهایی وارد عمل شود (و نیازی به انگلیس و زیاده خواهی آن نیست)، وزیر دفاع انگلیس که دچار بهت و حیرت شده

بود، جمهوری خواهان را به باد انتقاد گرفت. وی ابراز امیدواری کرد که در دوربعدهی انتخابات امریکا، بوش برکنار شود و دمکرات‌ها به قدرت برسند. باعادی شدن روابط دو کشور، جف هون اعلام داشت که وی مصاحبه‌ای نداشته و مشاورانش به سؤالات کتبی پاسخ داده‌اند.

این روند منظم تعامل بین رسانه‌ها و دولت و همچنین احزاب، اگر چه پس از جنگ تا حدودی به زیان بلر تمام شد، اما به نظر نمی‌رسد تاکنون منافع ملی انگلیس آسیب دیده باشد. به بیان دیگر، شاید احزاب مختلف از هر فرصتی برای رسیدن به قدرت و تخریب رقبای خود استفاده کنند، اما بحران عراق نشان داد که در مسائل سیاست خارجی، نوعی هم‌نواپی، همکاری و کوتاه آمدن از خواست‌های گروهی و حزبی وجود دارد.

بلر و رهبر حزب محافظه کار، پس از جنگ به بلر حمله کرد که پرونده سلاح‌های کشتار جمعی را قبل از ارائه به رسانه‌ها، حتی برای مطالعه به وی نداده است. اما وی به عنوان رئیس حزب

می‌تواند شناخت جامعی از مسأله و موضوع به دست آورد.

شاید یکی از بزرگترین مزیت‌های رسانه‌ای در انگلیس کمک کردن به روند تصمیم‌گیری باشد. به این معنی که مهم‌ترین مسائل داخلی و خارجی روز را تحت عنوان "مناظره (گفتگوی) ملی"<sup>۱</sup> به بحث گذاشته و یا بررسی همه‌جانبه تحولات و طرح دیدگاه‌های مختلف، زمینه روشن شدن جوانب امر برای مردم، سیاست‌مداران و نهادهای مختلف رافراهم می‌کنند. در چنین مناظره‌های ملی که رسانه‌ها نقش اصلی را در آن بازی می‌کنند، انتخاب مسیر و میزان حمایت مردم از برنامه‌ها، طرح‌ها و مسائل مهم داخلی و خارجی، مشخص می‌گردد.

در جنگ اخیر و به‌خصوص تا برکناری رژیم عراق، این مناظره ملی به دولت و مردم انگلیس کمک کرد، اما به هرحال حضور چنین رسانه‌هایی و چنین خبرنگارانی همیشه هم نمی‌توانست کمک کند. به همان میزان که این رسانه‌ها در مسائل ملی و در راستای منافع ملی

محافظه‌کار، در پارلمان انگلیس حمایت کامل خود را از سیاست بلر درمورد عراق اعلام و حتی در برخی موارد از وی پیشی گرفت.

در بعد رسانه‌ای نیز، این نکته حایز اهمیت است که رسانه‌های انگلیسی (در کنار رسانه‌های امریکایی) یا بررسی همه‌جانبه و بدون وقفه خطر تسلیحات کشتار جمعی عراق و در نتیجه ضرورت تکذیب مکرر امور توسط دولت عراق، این کشور را در هر نوع استفاده از این تسلیحات خلع سلاح کردند.

به بیان دیگر هر نوع استفاده از تسلیحات غیرمجاز می‌توانست زمینه شروع بودن جنگ و به حق بودن امریکا و انگلیس را اثبات کند و بهانه مخالفان جنگ و رسانه‌های مخالف جنگ را از بین ببرد.

از طرف دیگر، ریزبینی، تحلیل کردن مسائل به جای صرف پخش و چاپ اخبار، از ویژگی‌های رسانه‌ای انگلیس می‌باشد. در رسانه‌های این کشور؛ مسائل اصلی و مهم پیش روی مردم و دولت آن‌قدر مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد و چکش می‌خورد که مخاطب بعضاً در مورد مسائل (در صورت پیگیری)

1. National debate

دقیق عمل می‌کنند، پس از رفع خطر، در راستای اهداف گروهی و حزبی خود، بسیار باانگیزه وارد می‌شوند.

به این لحاظ، سیاست‌مداران انگلیسی می‌دانند که بازی رسانه‌ای در انگلیس برای همراه نمودن افکار عمومی و رسیدن مجدد به قدرت حایز اهمیت می‌باشد و نوعی بده بستان دائمی بین رسانه‌های انگلیسی و مقامات این کشور در جریان است.

از دیگر ویژگی‌های رسانه‌ای انگلیس: عدم فراموش کردن مردم و برنامه‌های تفریحی آنان در هر مقطعی (حتی وارد شدن انگلیس در جنگ) می‌باشد. اکثر شبکه‌های رادیویی انگلیس صرفاً به سرگرم کردن مردم پرداختند و نشریات غیرسیاسی نیز بدون تغییر در مطالب، به روند سابق ادامه دادند.

اصولاً بخش اصلی اخبار، گزارش‌ها و مقالات و همچنین برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی انگلیس را اخبار مربوط به چهره‌های مشهور انگلیس مانند فوتبالیست‌ها و هنرمندان تشکیل می‌دهد. به بیانی هر نوع حرکت چنین افرادی (حتی یک اشاره دیوید بکهام) می‌تواند

مهم‌ترین خبر روز انگلیس باشد.

اخبار مربوط به چنین افرادی، حتی در اوج بحران‌هایی مانند جنگ عراق می‌تواند در صدر برنامه‌های مهم خبری انگلیس پیگیری و تیتراژ اصلی جراید جدی انگلیس باشد.

ایمن به آن معنی است که اولاً در انگلیس اخبار داخلی حتی در اوج بحران‌های بین‌المللی که انگلیس نیز در آن درگیر است، به دلیل علاقمندی مردم به تحولات داخلی پیگیری می‌گردد. ثانیاً بیانگر آن است که با توجه به جذابیت خبری اموری از این قبیل، رسانه‌ها منافع خود در رقابت برای جذب مخاطبان و خوانندگان بیشتر را نیز فراموش نمی‌کنند.

در کنار مسائل یاد شده، بخش قابل توجه دیگری از مطالب رسانه‌ها نیز به اخبار دادگاه‌ها، جنایات، قتل‌ها و جرایم اختصاص می‌یابد که مورد علاقه مردم انگلیس بوده و تقریباً از وضعیت مشابهی برخوردار هستند.

شاید علت وجودی رسانه‌ها در انگلیس را بتوان در دو کلمه خلاصه نمود؛ اطلاع رسانی و سرگرم نمودن و به این لحاظ به

رسانه‌ها را قبل از جنگ عراق در طول این بحران فراهم نمود. اما این اختلافات که در ابتدا بیشتر از آن که مخرب باشد، می‌توانست قیمت همراهی انگلیس با امریکا را افزایش دهد، پس از جنگ به معضلی بزرگ بین بی‌بی‌سی و دولت تبدیل شد. معضلی که نشانگر عدم امکان پیش‌بینی و برنامه‌ریزی دقیق در مورد همه مسائل جنگ می‌باشد. تقابل آهسته و حتی ناخواسته احتمالی بی‌بی‌سی با دولت به آنجا رسید که دکتر دیوید کلی خودکشی کرد و بسیاری از اسرار نزاع را برای همیشه مخفی ساخت.

بی‌بی‌سی و دولت؛ از همکاری تانزاع و

#### خودکشی دیوید کلی

نزاع بین بی‌بی‌سی و دولت که در نهایت منجر به خودکشی، خودکشی تحت فشار و یا کشته شدن (به نقل از رسانه‌های انگلیسی) دکتر "دیوید کلی" شد، با گزارش انتقادی "اندرو گیلیگان"<sup>۳</sup> خبرنگار برنامه "تودی"

نظر می‌رسد، رسانه‌های انگلیسی به وظایف دوگانه خود در طول بحران عراق به خوبی عمل کردند. درحالی که جنگ به شدت در عراق جریان داشت و سربازان انگلیسی درگیر جنگ بودند؛ شبکه‌های مختلف رادیویی و تلویزیونی انگلیس مردم را به موضوعات و مسائل مختلف سرگرم می‌کردند.

درحالی که "رافع عمر"<sup>۱</sup> عرب به صورت احساساتی از پایان حکومت ۲۵ سال استبداد و دیکتاتوری صدام سخن می‌گفت و گفته‌های وی از طریق "بی‌بی‌سی خبر ۲۴ ساعته"، "بی‌بی‌سی یک و رادیو بی‌بی‌سی" "فایو لایو"<sup>۲</sup> برای انگلیسی‌ها پخش می‌شد، شبکه ۴ انگلیس در حال پخش برنامه آموزشی نگهداری از سگ و حفاظت از این حیوان بود.

شبکه‌های ۲ و ۳ کارتون پخش می‌کردند و رادیوهای بی‌شمار تجاری بد پخش برنامه‌های تفریحی می‌پرداختند. در یک نگاه به خیابان و هایدپارک مردم نیز در کمال آرامش در حال قدم زدن و تفریح بودند.

آنچه مسلم است، جنگ عراق زمینه‌های اختلاف نظر دولت انگلیس و

1. Ragheh Omar
2. Five Live
3. Andrew Gilligan

رادیو چهار بی بی سی آغاز گردید. وی طی گزارشی مدعی شد که براساس اظهارات یک منبع اطلاعاتی ارشد انگلیس، دولت به عراق در پرونده سلاح‌های کشتار جمعی عراق پرداخته، تا بتواند مشروعیت لازم برای ورود به جنگ و حمایت افکار عمومی و مجلس انگلیس را بدست آورد.

وی به دنبال آن در گزارش مفصل تری در هفته نامه میل آن ساندی به جزئیات بیشتری اشاره کرد و گفت که در پشت پرده تمامی مسائل، آلستر کمپل سخنگوی رسمی تونی بلر قرار دارد.

گیلیگان همچنین ادعای بلر مبنی بر این که پرونده تسلیحاتی عراق به طور کامل اصل می باشد را رد کرد و گفت که قسمت‌های قابل توجهی از پرونده مربوط به پایان نامه یک دانشجوی آمریکایی است که ۱۲ سال قبل نوشته شده است.

این امر خشم تونی بلر، آلستر کمپل و سایر نزدیکان بلر در کابینه را به همراه داشت و زمینه ساز نزاعی بین دولت و بی بی سی شد که به خودکشی دیوید کلی انجامید.

جان رید، رهبر پارلمان انگلیس در گفتگو با رادیو چهار بی بی سی، اندرو گیلیگان خبرنگار دفاعی رادیو چهار را متهم کرد که منابع گزارش‌های خود را افراد خود سر "سرویس‌های اطلاعاتی" قرار داده است. تونی بلر نیز ادعای وی را مورد تاکید قرار داد و گفت که افراد ناشناس با مطبوعات در حال گفتگو هستند و گفت: "به جای استفاده از یک منبع یا منابع سرشناس، اگر مدرکی هست آن را به کمیته امنیتی مجلس ارائه کنید".

نسبت دادن چنین اتهاماتی به بلر، به طور سریع تاثیر خود را بر اعتماد مردم انگلیس به وی گذاشت و طبق نظر سنجی موسسه "یوگاو"، ۲۳ درصد مردم گفتند که در صورت عدم پیدا شدن سلاح کشتار جمعی در عراق، به سخنان دیگر بلر هم اعتماد نخواهند کرد و ۱۸ درصد نیز به طور مشخص تر گفتند که در صورت عدم پیدا شدن تسلیحات، مجدداً به وی رأی نخواهند داد.

چنین فشاری بر دولت منجر به تصمیم کمیته سیاست خارجی و کمیته امنیتی پارلمان برای انجام تحقیقاتی جهت روشن شدن روند



کردند. کمپل در کمیته سیاست خارجی گفت که بی‌بی‌سی قبل از جنگ، در طول جنگ و پس از آن، موضع ضد جنگ و به بیانی ضد دولت داشته است.

غارت بغداد و افزایش ترس و اضطراب مردم عراق (به‌خصوص در اخبار گیلیگان)، پیدایش نشتن تسلیحات کشتار جمعی و تأکید بی‌بی‌سی بر آن، در کنار جعلی بودن پرونده تسلیحات کشتار جمعی عراقی همگی منجر به تیره شدن روابط دولت و بی‌بی‌سی شده بود.

در ادامه این روند و با درخواست رسمی آلستر کمپل مبنی بر ضرورت عذرخواهی بی‌بی‌سی و اجتناب این سازمان؛ نزاع به میزان قابل توجهی افزایش یافت و بی‌بی‌سی نیز بسیاری از گزارش‌های بایگانی شده و منفی خود را در مورد فعالیت‌های دولت پخش کرد.

در این مسیر، بی‌بی‌سی با فرارسیدن سومین ماه پایان جنگ و با توجه به اختلافات با دولت، طی گزارش مستندی به طرح سه سؤال پرداخت. سؤال اول این بود که چرا همچنان مردم عراق از بدیهی‌ترین حقوق خود یعنی برق،

تصمیم‌گیری در مورد پرونده‌ها و بررسی اتهامات بی‌بی‌سی شد. اما از همان ابتدا اعتقاد بر آن بود که با توجه به انجام تحقیقات در پشت درهای بسته توسط کمیته اطلاعاتی و امنیتی و همچنین انتصاب رئیس گروه تحقیق توسط بلر نظرات دولت تأیید خواهد شد. رئیس گروه بایستی گزارش خود را به تونی بلر داده و نخست وزیر نیز به طور طبیعی قبل از پخش گزارش به اصلاح آن خواهد پرداخت.

تحقیقات کمیته سیاست خارجی نیز با توجه به اکثریت حزب کارگر و این که آنان دسترسی کافی به اسناد و مدارک و همچنین گفتگو با افراد و مقامات اطلاعاتی و امنیتی رانداشتند، چندان راهگشا نبود. این کمیته پس از بررسی‌های انجام شده ابتدا دولت و شخص آلستر کمپل را از اتهامات مبری ساخت و به دنبال آن پس از اعلام وزارت دفاع مبنی بر این که دکتر کلی منبع بی‌بی‌سی بوده است، اندرو گیلیگان را متهم کرد که به تغییر سخنان خود در کمیته پرداخته است.

گفته می‌شود آلستر کمپل و دولت با برنامه‌ریزی، حملات خود به بی‌بی‌سی را آغاز

آب آشامیدنی و مواد غذایی و همچنین امنیت برخوردار نیستند. سؤال دوم مربوط به دلیل اصلی نزاع بی‌بی‌سی و دولت یعنی چرایی عدم کشف حتی نشانه‌هایی از سلاح‌های کشتار جمعی عراق بود. بی‌بی‌سی در سؤال سوم خود مطرح کرد که چرا پس از سه ماه هنوز صدام دستگیر و یا کشته نشده است.

علاوه بر انتقادات مستمر مقامات انگلیس از فعالیت رسانه‌ای بی‌بی‌سی، گفته می‌شود که تاکنون بیش از ۵۰ بار دولت و بی‌بی‌سی به مکاتبه با یکدیگر و طرح اتهامات متقابل پرداخته‌اند.

با توجه به افزایش فشارها بر دولت و تأثیر استمرار اتهامات متقابل بر افکار عمومی و زنده شدن بحث مشروعیت و عدم مشروعیت ورود به جنگ، به نظر می‌رسد بخش قابل توجهی از دولت، خواستار پایان یافتن اتهامات متقابل بود. اما بعید نیست که از طرف دیگر، احزاب مخالف دولت، رقبای بلر در حزب کارگر و در نهایت شخص آلستر کمپل، که متهم اصلی اغراق در پرونده اعلام شده بود و می‌خواست خود را بی‌گناه نشان دهد، نگذاشتند که مسائل

فیصله یابد.

مردم نیز اغلب فکر می‌کنند حق با بی‌بی‌سی است و استمرار و پیگیری قضایا بیشتر از آن که به ضرر بی‌بی‌سی باشد به ضرر دولت بوده است. به عنوان نمونه پس از این ماجراها، تایمز یک نظر سنجی انجام داد که براساس آن همراهی مردم با دولت در ضرورت ورود به جنگ از ۶۴ درصد در آوریل ۲۰۰۳ به ۴۷ درصد در ماه ژوئیه رسید و مخالفت نیز از ۲۴ درصد در آوریل به ۴۵ درصد افزایش یافت.<sup>۱</sup> به بیان دیگر این سیاست‌مداران انگلیسی هستند که با رای مردم روی کار می‌آیند و این روند منفی می‌توانست آینده سیاسی آنان و اعتبارشان را مخدوش نماید. در مورد بی‌بی‌سی نیز بایستی خاطر نشان شود که حتی در صورت محکوم شدن، چند نفر از افراد درگیر برکنار می‌شدند و آسیب به حیثیت بی‌بی‌سی نیز چندانی جدی نمی‌توانست باشد. اگر چه در صورت محکوم شدن بی‌بی‌سی در نزاع بین دولت و ایسن رسانه و کسب اطمینان مردم انگلیس از این که بی‌بی‌سی واقعا اشتباه کرده

1. www.thetimes.co.uk

## ● جنگ عراق: تعامل دولت انگلیس ...

در مجلس و این که شورشیان مجلس نتوانستند مانع تصمیم دولت شوند، می دانست.

همچنین بایستی یادآور شد که علاوه بر نزاع دولت و بی بی سی در بعد کلان، بین اندرو گیلیگان و آلستر کمپل نیز نوعی نزاع شخصی بوجود آمده بود.

مشکلات بین گیلیگان و آلستر کمپل سابقه طولانی دارد و دو نفر در سال ۲۰۰۰ در مورد قانون اساسی اتحادیه اروپا به نزاع با یکدیگر پرداخته بودند. اما این جنگ عراق و گزارش های وی بود که خشم بی سابقه کمپل راموجب شد.

گیلیگان همیشه می گفت که در طول جنگ، گزارش هایی را پخش کرده که به مذاق دولت خوش نیامده است. وی می گفت که اصولاً به دنبال مطالب دست اولی است که بعضاً باب میل دولت انگلیس نمی باشند.

گفته می شود که اندرو گیلیگان برای این به استخدام بی بی سی درآمد که بتواند گزارش هایی را از همین دست تهیه کند. وی خبرنگار سخت کوش و فعالی است که بارها آلستر کمپل را رنجانده و بعضاً هم به عنوان تک

است، اعتبار و دقت بی بی سی را به خصوص در عرصه جهانی زیر سؤال می برد.

با این وجود، حتی در صورت محکوم شدن بی بی سی توسط قاضی منصوب شده توسط تونی بلر، بهبود وجهه بی بی سی بسیار آسان تر خواهد بود. بی بی سی می تواند با انجام تغییراتی در افراد و همچنین افزایش برنامه های جذاب تلویزیونی، حیثیت خود را دوباره به دست آورد. در این راستا بی بی سی اجازه پخش فوتبال حرفه ای و ملی انگلیس را که هزینه ای قابل توجه دارد را به دست آورد و در انگلیس فوتبال می تواند جو را به نفع بی بی سی در آینده تعدیل کند.

اگر چه نزاع بین بی بی سی و دولت، پس از پایان جنگ به اوج خود رسید، اما آلستر کمپل از عملکرد بی بی سی در آستانه ورود به جنگ نیز راضی نبود. پس از آن که ۱۳۹ نماینده کارگر مجلس علیه اقدام نظامی رای دادند و به بیانی علیه دولت کارگری بلر شوریدند، بی بی سی از این اقدام به عنوان یک "شورش تاریخی" یاد کرد. آلستر کمپل بالعکس معتقد بود که بی بی سی باید چنین امری را نشانگر موفقیت بلر

خوان، متکبر و فضول از وی یاد می‌کنند. وی در کشف مسائل محرمانه و خبرنگاری در مسائل دفاعی شهرت دارد. این امر بعضاً رنجش و حتی خشم دولت از بی‌بی‌سی را به همراه داشته است. کشف و اعلام چنین مواردی به طور معمول بر وفق مراد دولت نبود و به همین لحاظ دولت بی‌بی‌سی را متهم به عدم رعایت بی‌طرفی می‌کرد.

در یک مورد، گیلیگان به اطلاعات و اسناد محرمانه مربوط به عدم ارتباط القاعده و صدام دسترسی پیدا کرد و دست دولت را در مرتبط دانستن این دو و استفاده از این بهانه بست. وی طی گزارش دیگری از بغداد اعلام داشت که هیچ وقت مردم عراق در طول عمر خود به این اندازه در اضطراب و ترس نبوده‌اند. چنین مواردی خشم آلستر کمپل را برمی‌انگیخت و جالب اینجاست که عین مطالب گیلیگان در مورد سلاح‌های کشتار جمعی عراق را "سوزان واتس"<sup>1</sup> در برنامه نیوز نایت بی‌بی‌سی هم گفته بود، ولی خبری از انتقاد از وی نبود و چنین امری را نشانه شخصی شدن نزاع کمپل و گیلیگان می‌دانند.

آلستر کمپل، مرد پشت صحنه مطبوعات و رسانه‌های بلر بود و برای اولین بار به این وضوح مورد سؤال قرار می‌گرفت و خود تبدیل به خبر شده بود.

وی سفر اول امور رسانه‌ای در دفتر نخست وزیری بود و می‌دانست که چگونه در این مسیر وارد شود و بازی کند. اما گویا قماری که این بار انجام داد، چندان مثمر ثمر واقع نشد؛ قماری که این بار به احتمال قوی بازنده آن خواهد بود. اصولاً در انگلیس، وقتی یک مقام دولتی هدف هجمه رسانه‌ای قرار می‌گیرد، پس از مدتی حداقل برای جلوگیری از بی‌اعتبار شدن حزب و نشان داد مسؤلیت پذیری استعفا می‌دهد.

اگر چه بسیاری از نمایندگان مجلس از قدرت قابل توجه وی ناراضی هستند و حتی از وی حساب می‌برند، اما در هر صورت توانایی‌های کمپل را به‌خصوص در ایجاد چتر حمایتی برای بلر، اغلب تحسین می‌کنند. تونی بلر بعد از مشخص شدن نظرات کمیسیون سیاست خارجی؛ طی مصاحبه‌ای با آیزورر به

1. Susans Watts

نیست، برانگیخت، این انتخاب یکی از اصلی‌ترین انتقادات به بلر یعنی فراموش کردن دولت، اعضای دولت و وزراء و تصمیم‌گیری براساس مشاوره با تعدادی از مشاوران خاص را بار دیگر زنده کرد.

اما در مورد منبع بی‌بی‌سی یعنی دیوید کلی نیز، ابتدا بایستی عنوان داشت که پیدا کردن این منبع که مقام ارشد اطلاعاتی باشد و هم در تماس سابق با بی‌بی‌سی و هم خود در کامل کردن پرونده سپتامبر نقش داشته باشد، کار سختی برای سرویس جاسوسی انگلیس نمی‌توانست باشد. اما به‌رغم اصرار وزارت دفاع، بی‌بی‌سی تنها زمانی حاضر شد بپذیرد که دیوید کلی منبع اصلی گزارش اندرو گیلیگان و سایر خبرنگاران بی‌بی‌سی بوده است که وی در این دنیا نبود. تا این زمان بی‌بی‌سی اعلام می‌داشت که طبق قواعد حرفه‌ای، نمی‌تواند هویت منبع خود را افشا کند.

به دنبال اعلام وزارت دفاع مبنی بر این که دیوید کلی منبع بی‌بی‌سی می‌باشد، کمیسیون سیاست خارجی و همچنین کمیسیون امنیتی و اطلاعاتی مجلس به بازخواست از وی

دفاع کامل از نزدیکترین فرد غیر منتخب (از طرف مردم) خود یعنی کمپل پرداخت.

اگر هدف آلستر کمپل از این جار و جنجال، انحراف افکار عمومی از مسأله عدم پیدا شدن تسلیحات عراق بود و البته اگر مسأله خودکشی دیوید کلی پیش نمی‌آمد، می‌توان گفت که وی نتایج خوبی بدست می‌آورد. اما اگر وی به دنبال رام کردن بی‌بی‌سی بود، به نظر می‌رسد چنین امری منوط به زمان بیشتر، اعمال فشار متمرکزتر و استفاده از ابزارهای فشار مناسب‌تر باشد. اما گویا روند مورد نظر وی (به دنبال مرگ غیر منتظره دیوید کلی) محقق نگردید و وی به احتمال قوی مجبور به ترک دفتر نخست وزیری خواهد شد.

وی را قبل از این تحولات حتی معاون نخست وزیر نیز می‌دانستند که حتی از وزرای منتخب مردم نقش تأثیرگذارتری بر تفکرات بلر داشت. وی در طول بحران عراق به ریاست کمیته تبلیغاتی جنگ عراق، متشکل از کلیه نهادهای سیاسی و اطلاعاتی انگلیس رسید. این امر اعتراضاتی را در مجلس به‌خصوص با توجه به این که فردی انتخاب شده از طرف مردم

دسترسی نداشته است (بعداً اعلام شد وی در دو قسمت پرونده ماه سپتامبر نقش جزئی داشته و شخصاً به توجیه کردن وزراء پرداخته است)، حقوق وی را وزارت خارجه می‌داده و موارد دیگر معرفی می‌کردند.

اما جالب اینجاست که وی در روز ارائه توضیحات جک استراو در کمیسیون سیاست خارجی به عنوان تنها همراه متخصص وی حضور داشت.

وی قبلاً به توجیه خبرنگاران در پست قبلی خود در تیم بازرسی "آنسکام" سازمان ملل در عراق می‌پرداخته و ۲۷ بار به عراق سفر کرده و ۷ سال هم در دهه ۹۰ در آنسکام فعالیت داشته است.

اما این که آیا بی‌بی‌سی عامدانه وارد نزاعی به این شدت با دولت کارگری بلر شد، همچنان جای تردید دارد. شاید یکی از گناه‌های بی‌بی‌سی تسلط خبری و ویژگی این رسانه به عنوان منبع جمع‌آوری و پخش خبری آن باشد. این به آن معنی است که بی‌بی‌سی با توجه به دسترسی بیشتر و بهره‌مندی از خبرنگاران بیشتر به مسائل مختلف از جمله بحث اغراق در

پرداختند و وی را به شدت تحت فشار قرار دادند. وی در نشست کمیسیون سیاست خارجی اعلام داشت که منبع اصلی، ادعاهای بی‌بی‌سی نبوده است.

اما سؤال اینجاست که اگر وی یک منبع ارشد اطلاعاتی است، پس در تیم بازرسی سازمان ملل در عراق چه کار می‌کرده است و اگر وی دارای چنین رتبه و مقامی نیست، آیا بی‌بی‌سی خود به اغراق در مورد اتهامات دولت نپرداخته است. به همین دلیل، وزارت دفاع پس از مشخص شدن نام دیوید کلی، اعلام داشت که وی نه مقام اطلاعاتی است و نه ارشد. البته با توجه به مسائل محرمانه و امنیتی، به نظر می‌رسد تا آینده‌ای دور دست مسائل مربوط به وی مشخص نخواهد شد.

با مروری بر مطالب مطرح شده در مورد دیوید کلی، تناقضات زیادی که در مورد وی و فعالیت‌هایش مطرح می‌گردد، وی را به عنوان میکروبیولوژیست، بیولوژیست، مشاور سابق وزارت خارجه، مشاور دولت، یک مقام وزارت دفاع، یک فرد قراردادی برای دولت، متخصص فنی که به جلسات اطلاعاتی توجیهی

کار و چارلز کندی رئیس حزب لیبرال دموکرات تاکید کردند که بایستی از طریق دستگاه قضایی، بررسی مستقلی در مورد مشروعیت ورود به جنگ صورت گیرد. این امر مطابق خواست بی‌بی‌سی بود و بی‌بی‌سی تلاش داشت جنگ بین دولت و خبرنگاران را به امری قابل پیگیری در دادگاهی مستقل و شامل بحث سلاح‌های کشتار جمعی عراق تبدیل کند.

دانکن اسمیت همچنین با خشم فراوان و چشم در چشم بلر گفت که قبل از دیدن پرونده عراق در نشریات، تونی بلر در این مورد حتی با وی گفتگو نداشته و هیچ اطلاعاتی به وی داده نشده است.

اما به‌رغم درخواست بی‌بی‌سی، سایر رسانه‌ها و احزاب محافظه‌کار و لیبرال دموکرات نیز به‌رغم این که از بی‌بی‌سی دل خوشی نداشتند، به دفاع از بی‌بی‌سی می‌پرداختند. شاید هم می‌دیدند که زمان مناسب برای فشار هرچه بیشتر بر دولت لوزان بلر فراهم شده است.

در این مسیر و با مشخص شدن نظر کمیسیون، دانکن اسمیت رئیس حزب محافظه

پرونده عراق دامن زد و چنین امری توسط سایر رسانه‌ها پیگیری گردید.

به نظر می‌رسد، پیگیری سخت‌تر دولت و اتهامات متقابل طرفین کم‌کم موضوع را به مسأله‌ای حیثیتی تبدیل کرد. کوتاه آمدن بی‌بی‌سی به اعتبارش به عنوان یک منبع خبری معتبر داخلی و بین‌المللی آسیب می‌زد و کوتاه آمدن دولت نیز سؤالات حیاتی‌تر دیگری چون مشروعیت ورود به جنگ را بی‌پاسخ می‌گذاشت. چنین تحولی، بهانه لازم و مناسب برای حمله به دولت و زیر سؤال بردن اعتماد عمومی به دولت و فریب مردم را توسط مخالفان دولت فراهم می‌کرد.

نزاع بی‌بی‌سی و دولت بعضاً به نزاعی گسترده‌تر تبدیل می‌شد و احزاب محافظه‌کار و لیبرال دموکرات نیز به‌رغم این که از بی‌بی‌سی دل خوشی نداشتند، به دفاع از بی‌بی‌سی می‌پرداختند. شاید هم می‌دیدند که زمان مناسب برای فشار هرچه بیشتر بر دولت لوزان بلر فراهم شده است.

در این مسیر و با مشخص شدن نظر کمیسیون، دانکن اسمیت رئیس حزب محافظه

طریق قصد زیرسؤال بردن اعتبار دولت بلر را داشته است.

به‌رغم انتقادات دولت در مورد سیاست ضد جنگ بی‌بی‌سی، پروفیسور "جاستین لوئیس"<sup>۱</sup> معاون دانشکده خبرنگاری دانشگاه کاردیف به همراه همکاران و دانشکده خبرنگاری دست به تحقیقات گسترده‌ای در مورد پوشش اخبار جنگ در شبکه‌های بی‌بی‌سی، کانال چهار و اسکای و آی تی ان زدند.

براساس آن، اتفاقاً بالعکس تصورات موجود، بی‌بی‌سی کمترین مخالفت با جنگ را در مقایسه با سه شبکه دیگر داشته و بیشترین همراهی را با دولت بلر نشان داده است. طبق این تحقیق که در روزنامه گاردین<sup>۲</sup> چاپ شده است، بحث افراد و از جمله اندرو گیلیگان را بایستی کنار گذاشته و به عملکرد کلی و مجموعه یک رسانه بایستی پرداخت. بر مبنای این تحقیق؛<sup>۱</sup> بی‌بی‌سی (نسبت به سه شبکه دیگر) از اظهارات مقامات دولتی به عنوان منبع خیر خود بیشتر استفاده کرده و این امر دو برابر آی تی ان و کانال چهار بوده است. بی‌بی‌سی همچنین بیشتر از هر سه

شبکه از اظهار نظرهای مقامات نظامی استفاده کرده است.

۲. بی‌بی‌سی در استفاده از مواضع مقامات عراقی بیشتر از کانال چهار و اسکای محتاط بوده و از مواضع موسسات و نهادهای مستقل مانند صلیب سرخ و غیره که معمولاً مخالف جنگ بودند، کمتر از سه شبکه دیگر استفاده کرده است.

۳. بی‌بی‌سی از تمامی شبکه‌ها بیشتر به نمایش استقبال مردم عراق از نیروهای امریکایی و انگلیسی پرداخت. این امر از آن جهت اهمیت داشت که در تبلیغات دولت هدف از حمله، آزادسازی بود و نه اشغال و چنین اخبار خوشایندی، باب میل دولت و دستگاه تبلیغاتی آن بود.

۴. در نشان دادن آسیب دیدگان غیرنظامی عراق در جنگ که برای دولت جنبه منفی داشت و مواضع مخالفان جنگ را تقویت می‌کرد، بی‌بی‌سی کمتر از سایرین به پخش تصاویر مربوطه پرداخت.

1. Justin Lewis

۲. گاردین، ۴ ژوئیه ۲۰۰۳.



۵. بسیاری از اخبار که به دنبال آن خلاف واقع از آب درآمد (مانند شورش در بصره و یا حملات موشکی به کویت که معمولاً به نقل از منابع دولتی معمولاً اعلام می‌شد) را بی‌بی‌سی، آی تی ان و اسکای بیشتر از شبکه چهار و بدون ایراد تردید پخش کردند.

پروفسور لویس براساس تحقیقات خود نتیجه می‌گیرد که اگر شبکه‌ای را بخواهیم تعیین کنیم که به مخالفت بیشتری با نظرات دولت در جنگ عراق پرداخته، شبکه چهار را باید انتخاب نمود. برعکس: بی‌بی‌سی کمتر از شبکه‌های دیگر به غرولند و تق زدن پرداخت. بی‌بی‌سی کمتر از شبکه‌های دیگر در بحث اعدام سربازان انگلیسی توسط عراق (ادعای بلر) تردید کرد و بعد از پس گرفتن موضوع توسط دولت، از کنار اخبار آن به راحتی گذشت.

طبق این تحقیق نهادی که مورد بی‌بی‌سی برخلاف نظر دولت عمل کرد و آن بحث سلاح‌های کشتار جمعی عراق بود. بی‌بی‌سی بحث سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیکی عراق و احتمال استفاده رژیم بغداد را کمتر از سایر شبکه‌ها جدی گرفت و کمتر به آن

پرداخت.

اما به هر حال نزاع سخت بی‌بی‌سی و دولت که منجر به خودکشی دیوید کلی شد، احتمالاً طی ماه‌های آینده نیز همچنان به دلایل مختلف و به اشکال مختلف پیگیری خواهد شد. اصولاً باتوجه به این که یک قاضی برای بررسی حقوقی علت کشته شدن وی تعیین شده است و حل و فصل مسائل حقوقی در انگلیس بسیار طولانی است و از طرف دیگر هر روز مسأله‌ای برای طرح شدن در مورد وی در رسانه‌ها وجود خواهد داشت. این تنازع دولت و رسانه‌ها ادامه خواهد یافت.

به نظر می‌رسد ماجرای دیوید کلی مانند بختکی بر سر دولت بلر سایه خواهد افکند که تا انتخابات آتی در انگلیس ادامه می‌یابد. اما تا آن زمان دولت بیکار نمی‌نشیند و طی ۶ ماه آینده یعنی زمانی که دولت و بی‌بی‌سی به بحث در مورد ساختار خدمات رسانی عمومی بی‌بی‌سی خواهند پرداخت، احتمالاً انتقام خواهد گرفت. در آن مقطع که قرار است وزرای دولت به بازنگری در مورد "منشور سلطنتی" بی‌بی‌سی و نوگرایی در آن تا سال

۲۰۰۶ سپردازند، دولت در صورت داشتن پشتوانه لازم، انتقام خود را از بی‌بی‌سی خواهد گرفت.

اینجاست که دولت می‌تواند از فرصت استفاده کرده و به‌خصوص در مورد "پروانه تلویزیونی"، حوزه فعالیت بی‌بی‌سی، بخش خصوصی و در نهایت مقررات بی‌بی‌سی دست کاری و یا اختلال نموده و انتقام بگیرد.

واضح است که چون بحث نزاع دولت و بی‌بی‌سی به مسائل محرمانه و نظامی تبدیل شده است، نیازمند مرور زمان بوده و شاید با گذشت زمان مسائل پشت پرده این مجادله و همچنین سؤال اصلی یعنی مشروعیت حمله به عراق براساس پرونده‌های دولت بلر مشخص گردد.

### تلاش انگلیس برای نفوذ در عرصه اطلاع رسانی عراق

نزاع دولت انگلیس با رسانه‌ها در داخل، همزمان با تلاش دولت بلر برای ورود به عرصه تبلیغات و اطلاع رسانی در عراق بوده است. در این مسیر، دولت از ظرفیت‌های

رسانه‌ای انگلیس و به‌خصوص بی‌بی‌سی استفاده کرد.

ابتدا، موسسه تلویزیونی "ورلد تی وی"<sup>۱</sup> روز ۳ آوریل ۲۰۰۳ برنده مناقصه وزارت خارجی انگلیس برای ساخت برنامه‌های "به سوی آزادی" شد و به طور سریع ۱۰ نفر تیم مسلط به زبان عربی را جمع‌آوری نموده و اولین برنامه را ظرف ۶ روز ساخت و روز بعد یعنی ۱۰ آوریل پخش نمود. این برنامه از طریق فرستنده‌های آنتنی و از طریق یک هواپیمای هرکولس سی ۱۳۰ (تبدیل شده برای این کار با نام "کامند سولو")<sup>۲</sup> و توسط امریکا پخش می‌شد. امواج تلویزیونی در بغداد و شهرهای نجف و بصره قابل دریافت بود ولی از میزان بینندگان آن اطلاعات دقیقی وجود ندارد. این موسسه در طول جنگ و پس از آن یک برنامه خبری روزانه برای وزارت خارجه تهیه می‌کرد. در این برنامه یک ساعته عربی؛ ارائه خبر، حل مشکلات و رد اتهامات و شایعات، اطلاع رسانی عملی و ارائه پیام‌های وزارت خارجه،

1. World TV

2. Command Solo

می‌کردند که عراقی‌ها انقدر تبلیغات دولتی دیده‌اند که این پیام‌ها را هم می‌پذیرند. اخبار ای‌بی‌سی آمریکا برای مردم کانزاس مناسب بود و نه کرکوک.<sup>۱</sup>

به نظر می‌رسد، به دلیل این که برنامه‌های به سوی آزادی به صورت ماهواره‌ای پخش می‌شوند و تنها ۲۰ درصد مردم عراق توانایی تهیه دستگاه گیرنده ماهواره را دارند تاکنون موفقیت قابل توجهی نداشته است. از طرف دیگر، حمله به رادیو و تلویزیون عراق، مانع بهره‌گیری فوری آمریکا از این تاسیسات برای پیام‌های خود شد. به این لحاظ، مقامات امریکایی کارکنان سابق رادیو و تلویزیون را فراخواندند و برنامه ۵ ساعته روزانه‌ای تحت عنوان "پخش آزمایشی شبکه تبلیغات عراق" را آغاز کردند.

برنامه‌های این شبکه شامل پخش اخبار، نمایش گورهای دسته جمعی و جنایات صدام، مصاحبه با خانواده‌های قربانیان، موسیقی و رقص و برهنگی بود.

۱. دبلیو میروور - Charles Stewart Smith, ۱۴ آوریل ۲۰۰۳.

بررسی مطبوعات انگلیسی (به زبان‌های عربی و انگلیسی) و شعارهایی چون؛ آزادی سخن، آزادی مذهب، رهایی از محرومیت و رهایی از ترس، آزادی مطبوعات، آزادی مذهب و اهمیت آن، ایجاد کشور براساس معیارهای دموکراتیک و دعوت از بازیگران، هنرمندان و ورزشکارانی که سال‌ها، مردم صدای آنها را نشنیده بودند را پوشش می‌داد.

چنین اقداماتی سابقه تاریخی دارد. بلافاصله پس از سقوط چائوشسکو در رومانی، تلویزیون اصلی این کشور به طور مکرر فیلم چارلی چاپلین تحت عنوان "دیکتاتور بزرگ" را پخش میکرد. شبکه یا برنامه "به سوی آزادی" نیز اخبار شبکه‌های بی‌بی‌سی، ان‌بی‌سی و سی‌بی‌اس را به زبان عربی، ادیت نشده و به طور مرتب پخش می‌کرد.

پیام بوش و بلر نیز به طور مرتب پخش می‌شد و اعلام می‌کردند که عراق مال مردم عراق است و عراقی‌ها اداره امور را آنگونه که مایل هستند به دست خواهند گرفت. بلر می‌گفت که رسانه آزاد و مستقل داشته باشید و آزادی بیان و این رسانه مستقل بود! شاید فکر

رسانه‌های کشور در حال نزاع و جنگ، در دستور کار چنین کشورهایی قرار می‌گیرد.

این گروه اعزامی که از بخش خبریه سرویس جهانی بی‌بی‌سی به منظور ارزیابی وضعیت مطبوعاتی عراق (مدت کوتاهی پس از پایان جنگ) به بغداد سفر کرد. "استفن کینگ" از افراد گروه معتقد است که "نوع نگاه مردم عراق به دنبال القائنات خبری رژیم صدام بسیار ضدکویت و غربی است و قسمتی از مشکل به نبود منابع اطلاع رسانی قابل اعتماد و تخریب شدن زیربنای رسانه‌ای در عراق" مربوط می‌باشد و در "حال حاضر عراقی‌ها ظرفیت لازم برای تولید برنامه‌های خبری و اطلاع رسانی خود را ندارند".<sup>۲</sup>

به بیان دیگر هدف از اعزام خبرنگاران و دست اندرکاران رسانه‌ای از انگلیس و آمریکا به عراق برای اعمال نفوذ و تقویت بعد تبلیغاتی و اطلاع رسانی به نفع نیروهای انگلیسی و امریکایی بود.

در این راستا، به محض مزاحمت

یکی از فعالان رسانه‌ای مورد اعتماد آمریکا در این برهه، "شمیم رسام" کارمند رادیو امریکا بود، که نقش قابل توجهی در تعقیب سیاست‌های تبلیغاتی و اطلاع رسانی آمریکا در عراق داشت.

برای استمرار تاثیرگذاری و نفوذ مناسب در عرصه تبلیغاتی و اطلاع رسانی عراق، بخش جهانی بی‌بی‌سی با اعزام گروهی از کارشناسان خود به عراق درصدد بررسی چگونگی تاسیس رسانه‌ای مستقل (همراه) در عراق برآمد. دفتر کمک رسانی و اعانه بخش جهانی بی‌بی‌سی که هزینه‌های آن را وزارت خارجه و وزارت توسعه بین‌المللی انگلیس می‌دهد، بلافاصله بخش اخبار، اطلاعات بهداشتی و امنیتی را در عراق آغاز کرد. چنین گروه‌هایی پیشتر، از طرف بی‌بی‌سی به افغانستان، کوزوو، سومالی و سایر نقاط بحرانی نیز اعزام شده‌اند.

بررسی شرایط و امکان تاثیرگذاری و نفوذ در نظام اطلاع رسانی این کشورها در آینده، انگیزه مناسبی برای کشورهای توسعه یافته می‌باشد. در طول بحران‌ها و پس از آن، نفوذ در

1. Stephenking

2. www.bbc.co.uk

انتقاد از صدام، اشغال نظامی، احزاب سیاسی عراق و غرب در نشریات آغاز شد و بسیاری از نشریات نیز به صورت چند برگه‌ای به پوشش فعالیت‌های احزاب و اظهارات و ملاقات‌های سران احزاب پرداختند. برخی این دوره را بهار مطبوعات در عراق می‌دانند.

امروز نجف با ۳۰۰ هزار نفر جمعیت، ۳۰ روزنامه و بغداد حدود ۶۰ روزنامه دارد. چنین میزان رشدی در نشریات کشورهای عربی کمتر سابقه دارد. البته تردیدی نیست که به مرور این روند به دلیل کمبود خبرنگار حرفه‌ای و تثبیت احتمالی امور متوقف خواهد شد.

طبق تحقیق "موسسه عربی نظارت بر آزادی رسانه‌ای"<sup>۲</sup> تنها ۳ روزنامه با تیراژهای ۳۰ تا ۵۰ هزار در عراق وجود دارد که ضمناً حرفه‌ای نیز هستند. دو روزنامه "التاخی" و "الاتحاد" به احزاب کرد تعلق دارند و سومی نیز روزنامه الزمان است که سابقاً در لندن منتشر می‌شده است.

باقی نشریات غیرحرفه‌ای هستند و

رسانه‌های عراقی تازه تاسیس (به‌خصوص پس از گسترش تعداد رسانه‌ها)، با آنان به اشکال مختلف برخورد می‌شد. حاکم امریکایی عراق اقدام به صدور مصوبه‌ای نمود که براساس آن اقدام به انتشار اخبار غیرصحیح (از نظر امریکا) در رسانه‌های عراقی، ممنوع گردید.

"نماینده سیاسی انگلیس در عراق (نیز) بارها به صورت آشکار اعلام داشت که مردم عراق به بلوغ سیاسی لازم برای انتخابات آزاد نرسیده‌اند"<sup>۱</sup>.

اما با پایان جنگ، نوعی آزادی نسبی مطبوعاتی در عراق برای خبرنگاران خارجی و داخلی بوجود آمد. روزنامه الزمان که توسط معارضین در لندن چاپ می‌شد و شمارگان محدودی داشت خود را به بغداد رساند و تبدیل به پرتیراژترین روزنامه شد.

تا قبل از سقوط صدام، نشریات عراق یا به مسائل حزب بعث می‌پرداختند و یا مسائل نظامی و کلا عدی پسر صدام نقش نظارتی بر فعالیت خبرنگاران و امور رسانه‌ای را بر عهده داشت. ولی پس از سقوط صدام، نشریات مختلف به سرعت شروع به چاپ کردند.

۱. گاردین، ۶ ژوئیه ۲۰۰۳.

2. Arab Press Freedom Watch

حدود ۵ هزار تیراژ دارند. براساس تحقیق این موسسه، نشریات نوع دوم، همگی حزبی و به دنبال بدست آوردن نفوذ در بین مردم هستند.<sup>۱</sup> اما در عراقی که همچنان دوران صدام را فراموش نکرده و خبرنگاران و رسانه‌ها سال‌ها با آن سیستم مانوس بوده‌اند، بعید به نظر می‌رسد که بهار واقعی برای رسانه‌ها چندان طولانی باشد. در عراق دوران صدام، رسانه‌ها بایستی نه تنها مواظب انتقادات خود نسبت به رژیم بودند بلکه بایستی در تقدیر و ستایش نیز هوشیارانه عمل می‌کردند.

گفته می‌شود در عراق، خبرنگاری در مدح و ستایش صدام نوشته است که "دل صدام برای تمامی امورات مملکت می‌سوزد و از آن مواظبت می‌کند و حتی دستشویی‌ها را نیز نادیده نمی‌گیرد". این امر زمینه تبیبه وی را فراهم کرده بود.

در حال حاضر نیز، ساختار آمریکایی و انگلیسی حاکم بر عراق به دنبال استفاده مناسب از رسانه‌ها برای رسیدن به اهداف خود می‌باشد و پل برمر عملا و طی حکمی به رسانه‌ها در مورد چگونگی اتخاذ مواضع هشدار داده است.

آمریکا و انگلیس، ضربه زدن به سیستم تبلیغاتی عراق و شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی صدام در طول جنگ، و نفوذ در این سیستم را پس از جنگ، با جدیت پیگیری کردند. روز ۸ آوریل تلویزیون عراق و روز ۹ آوریل رادیو عراق بمباران و تعطیل شدند. استمرار حملات به رادیو و تلویزیون عراق در طول جنگ به بحثی داغ در رسانه‌های انگلیس تبدیل شد و واکنش‌های متفاوتی را موجب گردید.

این حملات به‌رغم اعتراضات نهادهای مختلف بین‌المللی ادامه داشت و در ۲۹ مارس، وزارت اطلاع رسانی و مرکز اختصاص یافته برای نشست‌های مطبوعاتی مقامات عراق در طبقه اول تخریب شد. با استمرار حملات و به تبع آن تشدید اعتراضات، آمریکا اعلام داشت که برای ضربه زدن به ارتباطات رسانه‌ای صدام با مردم و ارتش عراق، این حملات انجام می‌شود.

همچنین رادیو و تلویزیون بصره نیز پس از بمباران‌های شدید در روز ۲۷ مارس به

۱. براساس گزارش مندرج در: [www.aplw.co.uk](http://www.aplw.co.uk)

### آینده تحولات

جنگ عراق آغاز شد. ادامه یافت و به پایان رسید. رسانه‌های انگلیس هزاران ساعت برنامه‌های خبری و تحلیلی رادیویی و تلویزیونی تهیه و پخش کردند. رسانه‌های نوشتاری نیز هزاران صفحه رابه پوشش خبری بحران اختصاص داده و مقالات و گزارش‌های بیشماری را در له و علیه ورود انگلیس و امریکا به جنگ باعراق چاپ کردند.

برخی از رسانه‌ها به نقل از مردم مخالف جنگ، می‌گفتند که هدف اصلی جنگ، نفت عراق و تسلط بر منطقه استراتژیک و حساس خاورمیانه می‌باشد. اما شاید در بین سیاست‌مداران کمتر کسی را بتوان یافت که به راحتی "رابرت مردوخ" امپراطور رسانه‌ای انگلیس بگوید: "کمترین نفع جنگ، نفت ارزان است"، "جنگ می‌تواند رونق اقتصادی بیاورد، بوش (در انتخابات آتی) پیروز می‌شود و اقتصاد امریکا رونق می‌گیرد".

در انگلیس، رسانه‌های مخالف جنگ به صورت مکرر در تقبیح ورود به جنگ (به‌خصوص بدون مجوز سازمان ملل و صرفاً به

اشغال انگلیس درآمد و نیروهای انگلیسی تنها امواج مورد نظر خود را برای مردم بصره و عراق می‌فرستادند.

جف هون وزیر دفاع انگلیس در همراهی با دولت امریکا، تلویزیون عراق را شبکه ارتباطاتی، مدیریتی و کنترل صدام دانست و اعلام داشت که ناتو نیز در سال ۱۹۹۸ تلویزیون صربستان را در بلغراد منهدم کرده است. از طرف دیگر حمله به مرکز تلویزیون افغانستان نیز سابقه داشته و نیروهای امریکایی به دفتر الجزیره در کابل نیز در سال ۲۰۰۱ حمله کردند. نیروهای انگلیسی و امریکایی، علت اصلی مشروعیت حمله را ضرورت ضربه زدن به تشکیلات کنترل و مدیریت عراق عنوان می‌کردند.

بدین شکل، تسلط بر ساختار تبلیغاتی عراق پس از صدام، ضربه زدن به سیستم اطلاع‌رسانی و تبلیغاتی رژیم صدام و تعامل با رسانه‌های گروهی در داخل انگلیس به اولویت‌های دولت بلر در طول بحران عراق و به‌خصوص در طول جنگ تبدیل گردید.

مخالفت‌های (صادقانه و یا مبتنی بر منافع رسانه‌ها) رسانه‌های گروهی در انگلیس با جنگ منتفع شود.

اما این که این مسیر استمرار خواهد داشت و یا پایانی بر سیاست‌های یک جانبه‌گرایانه امریکا (و همراهی سایر کشورها برای نامین منافعشان) خواهد بود، مشخص نیست. درحالی که هنوز چند روز از پایان جنگ عراق نگذشته بود، تلویزیون بی‌بی‌سی دو کلمه الله اکبر را از پرچم عراق حذف می‌کند و می‌پرسد که آیا پرچم سوریه نیز به طور دقیق به همین شکل نیست؟ و ...

محمدعلی اسکندری

کارشناس مطبوعاتی در سفارت جمهوری

اسلامی ایران- لندن

دلیل خواست امریکا) گفتند و نوشتند. اما این بحران نشان داد که مخالفت رسانه‌های انگلیسی تا قبل از اتخاذ تصمیم دولت انگلیس برای ورود به جنگ می‌توانست حایز اهمیت باشد و با قطعی شدن تصمیمات، امکان تاثیرگذاری قابل توجه وجود نداشت.

به بیان دیگر، رسانه‌های انگلیسی برای کمک کردن به روند تصمیم‌گیری و پیش بردن مناظره ملی (براساس منافع گروهی و صنفی) عمل می‌کردند و با تبدیل شدن موضوع به یک خواست و منفعت ملی نمی‌توانستند برخلاف خواست دولت منتخب مردم و ساختار قانونی عمل کنند. بدین سان نوعی خود سانسوری نسبی پس از اتخاذ تصمیمات کلان در عرصه سیاست خارجی انگلیس مشاهده می‌گردد. بحران عراق نیز از این قاعده مستثنی نبود و رژیم صدام نمی‌توانست در عمل؛ از